

مقایسه فرایندها و کنش های خانواده در نوجوانان عادی و بزهکار

سیامک سامانی^۱

زهرا بهمنش^۲

۸۹/۳/۲۹

۸۹/۵/۲۰

تاریخ دریافت:

تاریخ پذیرش:

چکیده

پژوهش حاضر براساس ضرورت های تربیتی و اجتماعی مبنی بر عوامل خانوادگی مؤثر بر بزهکاری تدوین گردیده است. هدف از این تحقیق مقایسه فرایندها و کنش های خانوادگی در نوجوانان بزهکار و عادی بود. نمونه مورد مطالعه شامل ۶۰ نفر از نوجوانان بزهکار (۱۵ دختر و ۴۵ پسر) ساکن کانون اصلاح و تربیت زندان عادل آباد شیراز بوده و گروه نوجوانان عادی شامل ۶۰ نفر (۱۵ دختر و ۴۵ پسر) از دانش آموزان دبیرستان های شیراز بودند که از میان ۳۵۰ دانش آموز از طریق همتاسازی با گروه بزهکار (بر اساس سن، جنس و سطح تحصیلات) انتخاب گردیدند. ابزار مورد استفاده در این تحقیق شامل فرایند خانواده سامانی (۲۰۰۸) بود. برای تجزیه و تحلیل داده ها از دو شیوه آمار توصیفی (فراوانی، میانگین و انحراف استاندارد) و نیز آمار استنباطی (آزمون تحلیل واریانس تک متغیری و آزمون تحلیل واریانس چند متغیری) استفاده گردید. نتایج تجزیه و تحلیل نشان داد که تفاوت معناداری در کنش ها و فرایندهای خانواده میان نوجوانان عادی و بزهکار وجود دارد به طوری که در ابعاد فرایند خانواده نیز ابعاد انسجام و احترام خانواده، راهبردهای تصمیم گیری و حل مسئله و مهارت های مقابله ای میان دو گروه نوجوانان عادی و بزهکار تفاوت معناداری وجود داشت، اما در دو بعد دیگر (مهارت های ارتباطی و جهت گیری مذهبی) تفاوت میان دو گروه معنادار نبود.

واژه های کلیدی: بزهکاری، بزهکار، نوجوان، خانواده، کنشهای خانواده

روانشناسان معتقدند که هیچ رفتاری بدون مقدمه بروز نمی کند، بلکه معلول چندین عامل زمینه ساز است. رفتارهای نابهنجار نوجوانان نیز از این قاعده مستثنی نیستند. خانواده از جمله عوامل زمینه ساز در بروز رفتارهای بزهکارانه و سایر اختلالات رفتاری در نوجوانان است. اختلال در عملکرد خانواده موجب اختلال در رفتار اعضای آن است. کودکان و نوجوانان به دلیل آسیب پذیری بیشتر قربانیان اصلی عملکردهای نامطلوب خانواده اند. سبک تربیتی نامناسب، از هم گسیختگی خانواده و سایر شرایط نامطلوب خانوادگی از جمله عملکردهای نامناسب خانواده می باشند. این کنش های معیوب زمینه بروز بزهکاری را در کودکان و نوجوانان فراهم می آورند. بدین ترتیب خانواده ناسالم زمینه ساز بروز اختلالات رفتاری و بزهکاری در فرزندان اند و خانواده سالم با ایجاد محیطی امن، زمینه را برای شکوفایی و سازندگی در فرزندان فراهم می سازد.

بیان مسئله

خانواده یکی از عوامل موثر در بروز رفتار و تکوین شخصیت افراد است. در یک خانواده شکل و ارتباط اعضای آن به گونه ای است که احتیاجات اساسی کودکان را در زمینه جسمانی و روانی تامین می نماید. به طور کلی یکی از کارکردهای خانواده جامعه پذیری فرزندان است.

بزهکاری نوجوانان به عنوان یک پدیده اجتماعی یکی از اساسی ترین معضلی است که توجه اغلب جامعه شناسان و نیز روانشناسان را به خود معطوف داشته است. بر اساس عقاید اکثریت این صاحب نظران پدیده شوم بزهکاری معلول تعاملات ناسازگارانه و کنش های معیوب اعضای خانواده با یکدیگر است. هدف تحقیق حاضر مقایسه کنش های خانواده در میان نوجوانان عادی و بزهکار است. کنش های بررسی شده در این پژوهش شامل حل مساله و تصمیم گیری، مهارتهای ارتباطی، مهارتهای مقابله ای، انسجام و احترام متقابل و جهت گیری مذهبی است. از یافته های این پژوهش میتوان جهت امور تشخیصی و نیز برنامه های اصلاحی و پیشگیرانه جهت کاهش بزهکاری نوجوانان استفاده نمود.

روش تحقیق

در آغاز پژوهش با استفاده از ابزار پرسشنامه به جمع آوری داده های مورد نیاز اقدام گردید سپس داده های به دست آمده را با استفاده از نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. روش تحقیق در این مطالعه علی-مقایسه ای بود. به منظور بررسی فرضیه های پژوهش توسط آماره های توصیفی (فراوانی، انحراف معیار و میانگین) و نیز آمار استنباطی (تحلیل واریانس تک متغیری و تحلیل واریانس چند متغیری) به تجزیه و تحلیل داده های به دست آمده پرداخته شد.

جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری در این پژوهش شامل کلیه نوجوانان ۱۵ تا ۱۸ سال شهر شیراز است. نمونه آماری نیز در این پژوهش شامل ۶۰ نوجوان بزهکار (۴۵ پسر و ۱۵ دختر) است (پسران ساکن کانون اصلاح و تربیت زندان عادل آباد شیراز بودند و دختران از طرف مرکز پلیس آگاهی شیراز به بازداشتگاه مرکز پلیس امنیت اخلاقی شیراز ارجاع داده شده بودند) که به شیوه نمونه گیری در دسترس انتخاب گردیدند و گروه نوجوانان عادی شامل ۶۰ نوجوان دانش آموز دبیرستانی (۴۵ پسر و ۱۵ دختر) بود که به طریق همتا سازی فرد به فرد با گروه نوجوانان بزهکار بر اساس سن و جنسیت و همتا سازی میانگین گروه ها بر اساس سطح تحصیلات (از میان ۳۵۰ نوجوان دبیرستانی) انتخاب گردیدند. جدول (۱) فراوانی افراد نمونه را بر اساس جنسیت در هر گروه از نوجوانان عادی و بزهکار نشان می دهد.

جدول ۱: فراوانی نمونه بر حسب جنسیت و گروه

گروه	عادی	بزهکار
پسران	۴۵	۴۵
دختران	۱۵	۱۵
مجموع	۶۰	۶۰

جدول ۲ فراوانی افراد نمونه گروه نوجوانان بزهکار را بر اساس جنس و نوع بزه ارتكابی نشان می دهد.

نوع جرم	سرقت	قتل	فرار از منزل	خرید و فروش مواد	زد و خورد	سایر جرایم	مجموع
پسران	۱۹	۱۱	۰	۶	۵	۴	۴۵
دختران	۲	۲	۹	۱	۰	۱	۱۵
مجموع	۲۱	۱۳	۹	۷	۵	۵	۶۰

همان طور که جدول (۲) نشان می دهد سرقت بیشترین فراوانی را در میان گروه بزهکاران پسر دارد و سایر جرایم ارتكابی در این گروه به ترتیب فراوانی شامل قتل، خرید و فروش مواد، زد و خورد و سایر جرایم از قبیل لواط، کلاهبرداری و... است. فرار از منزل نیز بیشترین فراوانی را در میان دختران بزهکار به خود اختصاص می دهد و سایر جرایم ارتكابی در این گروه به ترتیب فراوانی شامل قتل، خرید و فروش مواد و سایر جرایم از قبیل جرایم جنسی و کلاهبرداری و... است.

ابزار تحقیق

به منظور استخراج برخی اطلاعات از قبیل نوع جرم و ... پژوهشگر اقدام به مصاحبه با گروه بزهکاران نمود و به منظور اندازه گیری فرایند خانواده از مقیاس فرایند خانواده استفاده گردید. که این پرسشنامه دارای ۴۳ گویه و ۵ خرده مقیاس است و توسط سامانی (۲۰۰۸) ساخته شد. پاسخ ها بر اساس مقیاس لیکرت از ۱؛ (کاملاً موافقم) تا ۵؛ (کاملاً مخالفم) تنظیم گردیده است. مقیاس فرایند خانواده دارای ۵ خرده مقیاس می باشد که عبارتند از:

- ۱- مهارت های تصمیم گیری،
- ۲- مهارت های ارتباطی،
- ۳- مهارت های مقابله ای،
- ۴- انسجام و احترام،
- ۵- جهت گیری دینی

به جهت بدست آوردن روایی سازه این مقیاس سامانی (۲۰۰۸) از تحلیل عامل استفاده کرده که شاخص نسبت KMO به عنوان کفایت نمونه گیری برابر با ۰/۹۴ و آزمون کرویت بارلت برای ماتریس همبستگی برابر با ۲۲۰۸۲/۸ (df=۱۰۸۱ و $P > ۰/۰۰۰۰۱$) بود.

برای بدست آوردن پایایی این مقیاس از پایایی باز آزمایی و ضریب آلفا استفاده شد، که

برای هر خرده مقیاس به ترتیب جدول (۳-۴) بود:

جدول ۳: پایایی ابعاد فرایند خانواده

عامل	حل مسئله و تصمیم گیری	مهارت های ارتباطی	مهارت های مقابله ای	انسجام و احترام	جهت گیری مذهبی
ضریب آلفا	۰/۸۹	۰/۸۴	۰/۸۷	۰/۸۳	۰/۸۱
باز آزمایی	۰/۸۵	۰/۷۱	۰/۷۳	۰/۷۳	۰/۸۷

مبانی نظری

بزهکاری

تعاریف:

متخصصان با توجه به رشته های تخصصی خود، هر یک تعاریف مختلفی از بزهکاری ارائه کرده اند و تا کنون تعریفی جامعی که مورد قبول همگان باشد در این باره به عمل نیامده است. لذا در این پژوهش به چندین تعریف که مورد قبول عمده متخصصان است اشاره می شود:

بزهکاری انجام عمل مخالف اصول و قوانین اجتماعی توسط افراد زیر ۱۸ سال است (جونز^۱، ۲۰۰۷).

بزهکاری انجام عملی است مغایر با قوانین وضع شده است که نسبی است و انواعی چند نظیر بزهکاری جوانان و بزهکاری نابالغان را شامل می شود (ساروخانی، ۱۳۷۵).
بزهکاری عبارت است از: اقدام به عملی که بر خلاف موازین، مقررات و معیارهای ارزشی و فرهنگی جامعه باشد (منصور و دادستان، ۱۳۶۹).

ویژگی های بزهکاری نوجوانان

استنبرگ^۲ (۱۹۹۳). به نقل از گلزاری، (۱۳۸۴) به ۴ ویژگی مشکلات رفتاری نوجوانی اشاره می کند:

- ۱- میزان مشکلات رفتاری اتفاقی و ناپایدار بسیار بیشتر از رفتارهای مخاطره انگیز است.
- ۲- شروع برخی از مشکلات رفتاری نوجوانان به علت بیماری روانی و مشکلات دوران کودکی در بروزی می یابد و در زمان نوجوانی به صورت برگشت پذیر خود را نشان می دهد.

1- Jones

2- Steenberg

۳- برخی از مشکلات رفتاری ناپایدار است و امید می رود که با ورود به مرحله جوانی و بزرگسالی کاهش یابد.

۴- مشکلات رفتاری نوجوانان بر خلاف نظر عامه اغلب پیامد تغییرات هورمونی دوران بلوغ نیست.

بزهکاری از دیدگاه روانشناختی

الف) نظریه پردازان شخصیت

فروید معتقد است که شخصیت انسان در ۵ سال اول زندگی پایه ریزی می شود (شامبیانی، ۱۳۸۴) وی در تلاش جهت تبیین شخصیت مدلی را پیشنهاد داد که طبق آن شخصیت از سه بخش اصلی تکوین می یابد. این سه بخش عبارتند از: نهاد، خود و فراخود (مارتین، ۲۰۰۵). فروید نهاد را منشاء شخصیت می دانست و عقیده داشت که این بخش از شخصیت در ارگانسیم فرد ریشه دارد و از غرایز حسی و پرخاشگرایانه و ناهشیار فرد ساخته شده است. این غرایز بر رفتار انسان تاثیر می گذارد. نهاد تابع اصل لذت است بنابراین تمایل دارد که فوراً و کاملاً آزادانه به ارضاء امیال خود دست یابد (ریکمن، ۱۹۹۷). خود آن بخشی از شخصیت است که در سطح آگاهانه و واقع بینانه عمل می کند. این فرایند زمانی که کودک به سنی می رسد که می تواند توسط اندیشیدن رفتار خود را کنترل کند تکوین می یابد (مارتین، ۲۰۰۵). دلیل شکل گیری خود این است که اگر شخص می خواهد نیازهایش را ارضاء کند باید تبادلات مناسبی با محیط انجام دهد. بنابراین خود تا حدودی جهت تبیین اهداف نهاد پدید می آید (ریکمن، ۱۹۹۷). فروید از فراخود جهت توصیف درونی شدن ارزش های جامعه در فرد استفاده می کرد. ارزش ها در وهله اول توسط والدین وارد شخصیت خود می شود، والدین رفتارهای مناسب و نامناسب را در هر وضعیت به بچه ها آموزش می دهند. کار اصلی فرا خود، ممانعت از ارضاء شدن امیال نهاد و ترغیب خود برای جایگزین کردن اهداف اخلاقی به جای اهداف واقع بینانه است (همان منبع). فروید معتقد است که عدم توازن میان رشد این سه بخش از شخصیت (نهاد، خود و فرا خود) که در اثر شرایط ناسالم محیطی در دوران کودکی به وجود می آید فرد را به بزهکاری سوق می دهد (ستوده و همکاران، ۱۳۷۶). یکی از دلایل عدم توازن شخصیت، ضعف در پیوند عاطفی با والدین

در نتیجه محرومیت از همانند سازی با والدین است زیرا کودک طی فرایند همانند سازی معیارها و ارزش های والدین را درون سازی می کند (فدایی، ۱۳۸۶). بنابراین فرا خود رشد کافی نخواهد کرد و نارسایی و ضعف در رشد فراخود منجر به ایجاد شخصیت ناسالم و نورو تیک خواهد شد. افراد دارای این شخصیت در ارتباط با دیگران غیر قابل پیش بینی، بی ثبات و غیر صادقانه و نیز از همدلی بسیار پایینی نسبت به دیگران برخوردارند، به بیانی دیگر قدرت درک احساسات دیگران را نخواهند داشت. پس بدون احساس پشیمانی دست به فعالیت خواهند زد که این فعالیت اگر غیر قانونی باشد بزه محسوب خواهد شد (مارتین، ۲۰۰۵). بنابراین خانواده و به خصوص والدین نقش بسیار مهم و حیاتی در ساخت و تکوین شخصیت کودک دارند (شامبیاتی، ۱۳۷۸). ارضای بیش از حد یا بسیار کم، نیازهای کودک نیز، باعث می شود که رشد کودک در مراحل مختلف متوقف گردد (ماسن، ۱۳۸۰) این آشفتگی در رشد کودک می تواند منجر به بروز اعمال بزهدارانه در دوران بعد از زندگی کودک گردد (مارتین، ۲۰۰۵).

طبق این دیدگاه اعمال بزهدارانه ناشی از انگیزه های ناخود آگاه است زیرا توسط تمایلات و انگیزه های ناخود آگاه هدایت می شود. بنابراین معجزات افراد بزهدار نه تنها مثمر ثمر نیست بلکه آنان را به سوی جرایم تازه تری سوق خواهد داد (شامبیاتی، ۱۳۷۸).

هورنای^۱ در ابتدا از پیروان فروید بود اما بعدها به این نتیجه رسید که انگیزه اصلی رفتار انسان احساس امنیت است. اگر فرد در رابطه با اجتماع و به خصوص کودک در ارتباط با خانواده احساس امنیت خود را از دست دهد دچار اضطراب اساسی^۲ خواهد شد که عبارت است از یک احساس فراگیر و به تدریج فزاینده در خصوص در مانده بودن و بی پناهی و بیچارگی که بالقوه خطرناک است. عواملی که این احساس را به وجود می آورد عبارتند از: تسلط زیاد والدین، بی تفاوتی والدین نسبت به کودک، عدم ارضای احتیاجات ضروری کودک، توجه و یا محبت افراطی نسبت به کودک، تبعیض و خشونت والدین نسبت به کودک (شاملو، ۱۳۷۷). هورنای معتقد بود که اگر کودک خصوصیت خود را به دلیل رفتارهای مذکور نسبت به والدین سرکوب کند، این خصوصیت سرکوب شده احساس ایمنی کودک را به تحلیل خواهد برد و این خود منشاء روان رنجوری های بعدی کودک

1- Karen Horney

2- Basic Anxiety

خواهد شد (دادستان، ۱۳۷۶). هورنای جهت گیری این افراد روان رنجور را به سه دسته تقسیم می کند که عبارتند از:

- ۱- حرکت به سوی دیگران: چنین فردی سخت می کوشد تا مورد محبت دیگران واقع شود و اگر در جلب محبت دیگران شکست بخورد دچار بیماری روانی خواهد شد.
 - ۲- حرکت جهت دوری از دیگران: چنین فردی معتقد است که اجتماع سر چشمه تمام ناراحتی های اوست. بنابراین از اجتماع کناره گیری می کند و تبادل خود را با محیط قطع می کند، به این صورت که نه به دیگران کمک می کند و نه از دیگران یاری می طلبد.
 - ۳- حرکت علیه دیگران: چنین فردی همواره برای دفاع از خود و یا تعرض به حقوق دیگران آماده است و این شخص تسلط خود را با زورگویی و خشونت نسبت به دیگران اعمال می کند و به اعمال خشونت آمیز علیه جامعه دست می زند (شولتز، ۱۳۸۴).
- به نظر آدلر داشتن تعامل با دیگران ضروری ترین تکلیف زندگی است. این تکلیف اولیه منشا سازگاری بعدی افراد در برخورد با تمامی مشکلات و مسائل زندگی است. آدلر معتقد است مادر در برخورد با کودک می تواند در او علاقه اجتماعی ایجاد کند و یا برعکس باعث اجتماع گریزی او شود. علاقه اجتماعی^۱ به معنای استعداد فطری فرد برای همکاری با دیگران جهت دستیابی به اهداف شخصی و اجتماعی است. کودکانی که مورد طرد والدین قرار می گیرند با بدگمانی و خصومت به دیگران می نگرند و با همین نگرش در زندگی خود با مسائل برخورد می کنند. این کودکان فاقد علاقه اجتماعی هستند و ممکن است روان رنجور یا بزهکار گردند (شولتز، ۱۳۸۴). آدلر^۲ از ۳ تیپ شخصیتی روان رنجور نام برد که عبارتند از:

- ۱- تیپ سلطه گر^۳: نگرش سلطه گر و حاکم را با آگاهی پایین اجتماعی نشان می دهد. چنین شخصیتی بدون توجه به دیگران رفتار می کند و به طور افراطی حقوق دیگران را پایمال می کند و بزهکار و جامعه ستیز می شود. افراد الکلی و معتاد و یا افرادی که خودکشی می کنند نوع کمتر خطرناک این تیپ هستند.
- ۲- تیپ گیرنده^۴: افراد دارای این شخصیت جهت جلب خشنودی دیگران به صورت

1- Shultz

2- Alferd Adler

3- Social Interest

4- Domiant Type

5- Getting Type

افراطی به آنان وابسته می گردند.

۳- تیپ اجتناب کننده^۱: این افراد در مواجهه با مشکلات زندگی تلاش نمی کند و با اجتناب از هر گونه احتمال شکست از هر اقدامی جهت موفقیت دوری می کنند (ریکمن، ۱۹۹۷). افراد دارای این سه تیپ شخصیتی برای مواجهه با مشکلات آمادگی لازم را ندارند و قادر به همکاری و درک دیگران نیستند و در برخورد با سبک زندگی در دنیای واقعی به رفتارهای نابهنجار روی می آورند.

آلپورت^۲ معتقد است که شخصیت سازمان دستگاه بدنی و روانی فرد است که چگونگی سازگاری اختصاصی فرد را با محیط تعیین می کند (سیاسی، ۱۳۷۴). وی در تعریف شخصیت به رفتار بی همتای فرد اشاره می کند و عقیده دارد که افراد در موقعیت های مختلف رفتار ثابتی دارند زیرا هر فرد دارای صفات خاصی است که این صفات باعث می شود که بی همتا بودن، قدرت بیان و حالات و رفتار شخص را بفهمیم بنابراین رفتار فرد تحت تسلط صفات بی نظیر اوست (ریکمن، ۱۹۹۷).

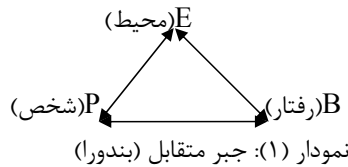
آلپورت معتقد است که نفس یا خود جنبه ای از شخصیت است که به زندگی هیجانی فردی اختصاص دارد. وی ماهیت تکوین نفس را در هفت مرحله توضیح می دهد. نکته مهم این است که در زمان تکوین نفس، تعامل اجتماعی با والدین بسیار مهم و حیاتی است و با اهمیت ترین تعامل، رابطه میان مادر و کودک به عنوان منبع اصلی محبت و امنیت است. اگر مادر و یا مراقب اصلی نیاز به محبت و ایمنی کودک را ارضا کند، کودک به رشد روانی مثبت دست پیدا می کند و در آینده به بزرگسالی بالیده و سالم تبدیل خواهد شد. در غیر این صورت کودک، ناامن، پرخاشگر، متوقع، حسود و خود محور خواهد شد (شولتز، ۱۳۸۴).

ب) نظریه شناختی - اجتماعی^۳

بندورا^۴ با نظریه ای مراحل رشد (پیازه و کلبرگ) به شدت مخالف است. زیرا او برای رفتار آدمی قائل به ثبات نیست، بنابراین نمی پذیرد که رشد اخلاقی توسط سن افراد تعیین گردد. بلکه معتقد است که رفتار بیشتر توسط موقعیتی که فرد در آن قرار می گیرد و تفسیری که

-
- 1- Avoiding Type
 - 2- Alport
 - 3- Social – Conitive theory
 - 4- Bandura

فرد از آن موقعیت دارد تعیین می شود (هرگنهان و السون، ۲۰۰۱). این تعامل در شکل زیر نشان داده شده است:



بندورا این شرایط را جبر متقابل (تعیین گری متقابل^۱) نامید (همان منبع).

بنابراین محیط از طریق ارائه الگو و سرمشق نقش مهمی در یادگیری کودکان و نوجوانان دارد. بندورا در طی تحقیقات خود نشان داد که رفتار کودک تابع رفتار سرمشق و الگویی است که به او عرضه می شود. و رفتارهای اخلاقی که توسط سرمشق و الگو مورد تشویق قرار می گیرد، به راحتی از سوی کودکان مورد تقلید قرار می گیرد (کریمی، ۱۳۸۰). در همین راستا یادگیری اجتماعی و نقش رسانه های گروهی در جهان امروز در شکل دادن به رفتارهای پرخاشگرانه و بزهدکارانه بسیار مهم است. یادگیری اجتماعی از طریق الگو، همانند سازی با بزرگسالان و همسالان برگزیده و بازخورد کودک از محیط آموخته می شود (بندورا، ۱۹۸۶). از طرفی والدین نیز می توانند تاثیری مثبت یا منفی بر رشد و تحول کودک داشته باشند. اگر تقلید رفتار والدین توسط کودکان با پاداش همراه باشد رفتار پاداش داده شده باز هم تکرار خواهد شد. در نتیجه کودک از همان ابتدا یاد می گیرد الگوهای موفق را تقلید و تکرار کند و اگر والدین در برابر رفتارهای ناخوشایند کودکان تنبیه و خشونت اعمال کنند، کودک یاد می گیرد که در مقابل رفتارهای ناخوشایند دیگران خشونت به خرج دهد (ریکمن، ۱۹۹۷).

عامل شخص نیز با واسطه شناخت ها و تفاسیری که از موقعیت ها دارد در بروز رفتار خود بسیار موثر است. بندورا معتقد است که اگر این فرایندهای شناختی به درستی واقعیت را منعکس نکنند، موجبات بروز رفتار ناسازگارانه را فراهم می آورند. بندورا چند دلیل را برای ایجاد فرایندهای شناختی معیوب نام می برد از جمله این که خطای فکری که می تواند شواهد نا کافی از اطلاعات حاصل به وجود آورد. در این باره بندورا به یادگیری ناشی از تصوراتی که توسط وسایل ارتباط جمعی منتقل می شود اشاره می کند و می افزاید: «افراد بزهدکار تا

1- Reciprocal determinative
2- Raulty Convitive Processes

حدی تصوراتشان از آن دسته از واقعیت های اجتماعی را که هیچ گونه تماس مستقیمی با آنها نداشته اند را از طریق صحنه های تلویزیون که مملو از شخصیت های فاسد و فاقد اصول اخلاقی است می آموزند. این دید تحریف آمیز از واقعیت ممکن است به رفتار جنایت آمیز منجر شود. برخی کودکان نوشتن نامه های تهدید آمیز به معلمان یا حمله و ضرب و جرح دیگران را از صحنه های تلویزیونی آموخته اند» (بندورا، ۱۹۷۷، به نقل از هرگنهان والسون، ۲۰۰۱).

ج) نظریه رشدی - شناختی

پیاژه^۱ به چهار چوب رشدی-شناختی رفتار تکیه می کند و نکاتی را در باب قضاوت اخلاقی کودکان مطرح می نماید. وی معتقد است که رشد اخلاقی کودک در سه مرحله انجام می پذیرد که عبارتند از:

۱- از تولد تا ۲ سالگی: در این مرحله کودک صرفاً از اعمال و رفتار دیگران تقلید می کند.
۲- از ۲ تا ۶ سالگی: در این مرحله کودک از آداب و قوانین دیگران به خصوص والدین تقلید می کند.

۳- از ۶ تا ۱۲ سالگی: این مرحله دارای دو زیر مرحله، اخلاق واقع گرایانه و اخلاق نسبی گرایانه است.

الف- مرحله اخلاق واقع رایانه^۲: در این مرحله اعمال بر اساس نتایج آن مورد قضاوت قرار می گیرد.

ب- مرحله اخلاق نسبی گرایانه^۳: در این مرحله قضاوت اخلاقی بر پایه نیت افراد است (سیف، ۱۳۸۴).

طبق این دیدگاه، رشد و تحول شناختی باعث گذر از یک مرحله به مرحله بالاتر خواهد شد. به بیانی دیگر، توانایی های اخلاقی افراد توسط رشد درونی (رشد^۴) تعیین می شوند. لذا قضاوت اخلاقی افراد توسط سنشان تعیین می گردد (هرگنهان^۵ و السون، ۲۰۰۱).

کلبرگ^۶ نیز مانند پیاژه معتقد است که اخلاق حاصل رشد شناختی و ذهنی افراد است

-
- 1- Jean Piaget
 - 2- Moral Realism
 - 3- Moral Relativism
 - 4- Maturation
 - 5- Hergenhahn B.R
 - 6- Kohlberg

Archive of SID

اما این رشد دقیقاً در سن خاصی روی نمی دهد. بلکه محدوده آن را از اواخر دبستان است. او معتقد است که قبل از این دوره (۱۰ سالگی) کودک در مرحله اخلاق پیش عرفی^۱ قرار دارد و بر اساس تنبیه و پاداش اقدام به انجام فعالیت می نماید. کودک از ۱۰ تا ۱۳ سالگی در مرحله اخلاق عرفی^۲ قرار دارد که جهت‌گزینی او بر اساس کسب تایید و یا دفع توبیخ دیگران است. کودک به موازات تفکر صوری یعنی از ابتدای بلوغ و نوجوانی وارد مرحله پس عرفی^۳ می‌گردد که در این مرحله جهت او مبتنی بر قرار داد اجتماعی و یا مبتنی بر اصول اخلاقی جهان شمول است (کریمی، ۱۳۸۰).

طبق دیدگاه رشدی - شناختی کودک با یک زمینه تکمیل شده این برای بزهکاری متولد نمی‌شود، بلکه این زمینه بیشتر توسط نخستین تجربی که محیط بر کودک تحمیل می‌کند تعیین می‌گردد. زیرا کودک در ابتدا موجودی غیر اجتماعی است و ارضای مستقیم غرایز اولیه را بی‌توجه به جهان پیرامون خویش می‌طلبد. پرورش صحیح کودک عبارت است از: راهنمایی او از موقعیت غیر اجتماعی به موقعیت اجتماعی، این وظیفه در وهله اول به عهده والدین و سپس معلمان و مربیان است (فدایی، ۱۳۸۶).

د) نظریه دلبستگی^۴

جان بالبی^۵ روانپزشک انگلیسی علاوه بر اعتقاد به وجود نیازهای نخستین مثل نیاز به تغذیه به وجود نیاز اولیه دیگری به نام دلبستگی اشاره دارد و معتقد است که این نیاز از هیچ نیاز دیگری مشتق نشده است و جهت تحول شخصیت افراد بسیار مهم و اساسی است (منصور و دادستان، ۱۳۶۹). دلبستگی عبارت است از: تمایل کودک به برقراری نوعی رابطه نزدیک با افرادی معین و احساس امنیت بیشتر در حضور این افراد (اتکینسون^۶ و همکاران، ۱۳۸۲). دلبستگی اساساً در نخستین سال‌های زندگی کودک ایجاد می‌شود زیرا در این دوره است که دلبستگی عاطفی بین مادر و کودک در اثر مراقبت مادر ایجاد می‌شود. مراقبت کافی همراه با حساسیت، گرمی و ملایمت از کودک منجر به ایجاد نوع مطلوبی از دلبستگی به

-
- 1- Pre conventional
 - 2- conventional
 - 3- post conventional
 - 4- Attachment Theory
 - 5- John Bolby
 - 6- Atkinson

نام دلبستگی ایمن^۱ می شود (ماسن، ۱۳۸۰). در این حالت کودکان ملایم و سازگارند و در سال های بعدی زندگی با پشتکار و اشتیاق به حل مسائل زندگی خود می پردازند (اتکینسون و همکاران، ۱۳۸۲). اما جدایی طولانی مدت کودک مادر از کودک و یا رفتار نامناسب مادر منجر به ایجاد دلبستگی ناایمن^۲ خواهد شد که در این صورت کودک دارای خلقی دشوار خواهد بود و به سادگی دچار ناکامی و خشم می گردد که این خلق و خوی در دوران بعدی زندگی کودک به اختلالات روانی و نابهنجاری های رفتاری منجر خواهد شد (منصور و دادستان، ۱۳۶۹). بالبی تاکید می کند که دلبستگی ناایمن در کودکان باعث ایجاد منش بی عاطفه خواهد شد. به همین دلیل آنان در برقراری روابط اجتماعی با دیگران دچار مشکل خواهند شد و در نتیجه کودک در نوجوانی اقدام به اعمال بزهکارانه خواهد نمود. بنابراین وی خواستار تشخیص زود هنگام این منش و پیشگیری از آن شد (فدایی، ۱۳۸۶).

بزهکاری از دیدگاه جامعه شناختی

الف) نظریه پیوند افتراقی: طبق این نظریه، نزدیکان و همسالان بزهکار نوجوانان تاثیر زیادی بر تشکیل و تقویت نگرش بزهکارانه داشته و فرد را به سوی بزهکاری سوق می دهند. پیوستن به بزهکاران و یا جدایی از غیر بزهکاران (پیوند افتراقی) به فراگیری مطالبی می انجامد که موافق تخلف از قوانین است. مکرر و غالب بودن مطالب تشویقی درباره بزهکاری و قانون شکنی از سوی نزدیکان فرد منجر به پذیرش بزهکاری می گردد.

همچنین گروه همسالان بزهکار اغلب به روش های توجیهی نسبت به زیر پا نهادن قوانین و اعتقادات سنتی جامعه مجهزند. توجیهاتی مانند: «کارهایی که مردم بزه می دانند به کسی آسیب نمی رساند» و «نیروهای انتظامی به همه بد گمانند» و غیره، پذیرش راحت تر اقدام بزهکارانه را توسط فرد هموار می سازد (جنسن، ۱۹۷۲).

این نظریه با وجود مهم بودن جامع نیست زیرا برخی از بررسی ها نشان داده اند که نظارت و حمایت خانواده و وابستگی مثبت کودک و نوجوان به والدین می تواند، عوامل یاد شده را خنثی نماید.

ب) نظریه تلفیقی کنترل و پیوند: این نظریه شامل دو مولفه است: مؤلفه اول کنترل خانوادگی

1- Securely Attached
2- Insecurelyattached

اجتماعی و روابط عاطفی کودک و نوجوان با افراد مهم در زندگی او از قبیل معلمان، نزدیکان و اقوام است که نقش کنترل کننده و باز دارنده ایی در گرایش فرد به بزهکاری دارند. مؤلفه دوم نیروهای وارد بر کودک و نوجوان از طرف والدین مجرم، دوستان بزهکار و محله جرم خیز که با تاثیر بر نوجوان او را به سمت بزهکاری سوق می دهند. تعامل و کشمکش که میان این دو مؤلفه صورت می پذیرد، نهایتاً تعیین کننده گرایش نوجوان به بزهکاری است (مشکانی و مشکانی، ۱۳۸۱).

چهار چوب نظری پژوهش

چهار چوب نظری در پژوهش حاضر تلفیقی از نظریه های مطرح شده در دو دیدگاه روانشناختی و جامعه شناختی است. در این چهارچوب بزهکاری دارای دو بعد روانی و اجتماعی است. در بعد روانی روانکاوان به ویژه فروید معتقد است که شخصیت از سه بخش اصلی نهاد، خود و فراخود تشکیل شده و در ۵ سال اول زندگی در خانواده تکوین می یابد. وی معتقد است که اعمال بزهکارانه ناشی از نهاد و در واقع بخش ناخود آگاه شخصیت افراد است که این بخش از شخصیت محصول نوع کنش و فرایندهای خانوادگی افراد در کودکیست. بنابراین خانواده از عوامل مهم ایجاد رفتار بزهکارانه در افراد محسوب می شود. از طرفی طبق نظریه یادگیری اجتماعی بندورا رفتار فرد محصول تعامل فرد با محیط است. از این دیدگاه هر دو بعد روانی و اجتماعی مورد نظر قرار می گیرد. خانواده از مهم ترین عوامل محیطی و اجتماعی افراد به شمار می آید، بنابراین رفتارهای بزهکارانه نوجوانان تا حدود زیادی منعکس کننده کنش های خانوادگی است.

از دیدگاه جامعه شناختی شبکه روابط اجتماعی افراد و کنش های خانوادگی معیوب نقش تسهیل کننده ای در گرایش فرد به بزهکاری دارد از این دیدگاه می توان به نقش بازدارندگی خانواده در گرایش فرد به بزهکاری نیز اشاره کرد.

تحقیقات پیشین

شماری از مطالعات به بررسی تأثیر فرایند خانواده بر رفتارهای بزهکارانه پرداخته اند. پژوهشگران بسیاری در تحقیقات خود فرایندهایی از جمله گسستگی خانواده (مالوا، ۱۹۹۵؛

هاگان و فوستر، ۲۰۰۳؛ فاضلی نیا، ۱۳۸۰؛ امینی لار، ۱۳۸۶؛ مبارکی، ۱۳۸۶؛ رستگار خالده، ۱۳۸۷؛ گیلک پور، ۱۳۸۷)، از دست دادن والدین (راهب، ۱۳۸۰؛ امینی لار، ۱۳۸۶)، تک والدی بودن (اندرسون^۱، ۲۰۰۲؛ هاگان و فوستر، ۲۰۰۳) و جدایی والدین (راهب، ۱۳۸۰؛ ولی زاده، ۱۳۸۶) را به عنوان علل یا در ارتباط با رفتارهای بزهکارانه برجسته کرده اند. در مورد ازدواج مجدد پدر نیز فاضلی نیا (۱۳۸۶) دریافت که این عامل در بروز بزهکاری مؤثر است، در حالی که احدی و محسنی (۱۳۷۰) نشان دادند که این عامل در اقدام به رفتارهای بزهکارانه تاثیری ندارد.

تأثیر سایر فرایندهای خانواده بر بروز بزه و رفتارهای مخاطره آمیز در چندین پژوهش مورد توجه قرار گرفته اند:

اسمیت^۲ (۱۹۹۰) طی یک بررسی دریافت که کنترل والدین و سطح ارتباطات عاطفی خانواده با بزهکاری یک رابطه معنادار و معکوس دارد. همچنین پژوهش سعیدی (۱۳۷۲) بیانگر این است که صد در صد نوجوانان فراری وجود ناسازگاری و روابط عاطفی معیوب والدین با همدیگر را علت عمده رفتار ناسازگارانه خود می دانند. تیمر^۳ (۲۰۰۳) با توجه به نتایج پژوهش خود بر نوجوانان دارای مشکلات رفتاری دریافت که آموزش تعاملات والد-فرزندی موجب کاهش مشکلات رفتاری و رفتارهای مخاطره آمیز نوجوانان است. نتایج پژوهش جوادی (۱۳۸۳) نشان داد که سطح ارتباطات عاطفی خانواده نقش تعیین کننده ای در گرایش نوجوانان به بزهکاری دارد و ارتباط صمیمانه، روابط صحیح خانوادگی و همچنین کمک به همدلی خانواده باعث می شود که کودکان و نوجوانان کمتر به بزهکاری اقدام نمایند. در این باره مک و همکاران (۲۰۰۷) در پژوهشی دریافتند که سطح ارتباط عاطفی با مادر تعیین کننده خوبی برای بزهکاری محسوب می شود. همچنین مبارک (۱۳۸۶) در مطالعه بر روی دانش آموزان ۱۴-۱۸ سال به این نتیجه رسید که بین تفاهم والدین و روابط صمیمانه میان والدین و میزان پرخاشگری و سایر انحرافات رفتاری رابطه معنادار و معکوس وجود دارد. رستگار خالده نیز (۱۳۸۷) در پژوهشی اشاره می کند که تعادل و انعطاف در روابط والد-فرزندی و وجود جو روانی و عاطفی مثبت در خانواده میزان مصونیت و مقاومت فرد را در برخورد با جرایم و انحرافات اجتماعی افزایش می دهد. بالاخره نیک منش

- 1- Anderson
- 2- Smith
- 3- Timmer

Archive of SID

(۱۳۸۶) در تحقیقی اشاره می کند که روابط گرم و همراه با پذیرش میان والدین و نوجوانان، وجود سبک دلبستگی ایمن، خویشتن داری، کنترل والدین بر رفتار نوجوانان، حل اختلافات خانواده به شیوه متقاعد سازی مانع در درگیری نوجوانان در رفتارهای مخاطره آمیز است. گلدستین و هون^۱ (۲۰۰۱) در پژوهشی یادآور می شود که نظارت ناکافی و دادن آزادی های بی حد و حصر به نوجوانان از عوامل مهم گرایش نوجوانان به بزهکاری محسوب می شود. فاضلی نیا (۱۳۸۰) در تحقیقی اشاره می کند که کنترل بیش از حد والدین بر رفتار فرزندان و یا دادن آزادی مطلق به آنها از عوامل آسیب زای اجتماعی در نوجوانان است. در این باره عباسی اسفجیر (۱۳۸۶) نیز در پژوهشی به نتایج جالب توجهی در مورد کنترل والدین بر نوجوانان و بزهکاری دست یافت. وی مطرح می کند که با وجود یک رابطه معنادار و معکوس میان کنترل مستقیم والدین و بزهکاری، یک ارتباط غیر خطی و از نوع سهمی میان تویخ والدین و بزهکاری وجود دارد. به عبارتی با افزایش نظارت مستقیم تا نقطه عطف بزهکاری به تدریج کاهش یافته ولی از آن به بعد با افزایش بیشتر نظارت مستقیم، بزهکاری افزایش می یابد. همچنین زیمر^۲ (۲۰۰۸) در مطالعه بر روی دو گروه از دختران سفید و سیاه پوست که فعالیت جنسی مخاطره آمیز نداشتند، دریافت که رفتار جنسی دختران سیاه پوست ارتباط نزدیکی با نگرش مذهبی آنان دارد، در حالی که در دختران سفید پوست، سطح بالای آموزش والدین و نیز کنترل بیشتر والدین بر آنان با رفتار جنسی آنان رابطه بیشتری داشت.

مطالعات گسترده ای نقش متغیر دین داری و یا نگرش مذهبی را در بزهکاری نوجوانان بررسی نموده اند. ما^۳ (۱۹۹۳) در یک بررسی که بر روی نمونه ای از بزهکاران چینی انجام داد، دریافت که اعتقادات مذهبی در عدم بروز رفتارهای بزهکارانه مؤثر است. فاضلی نیا (۱۳۸۰) و مبارکی (۱۳۸۶) نیز میان متغیر دین داری و بزهکاری تفاوت معنادار و مستقیمی به دست آوردند. در حالی که نتایج حاصل از تحلیل تک متغیری پژوهش نازکتبار (۱۳۸۵) نشان داد که تفاوت معناداری میان دین داری و میزان بزهکاری در دو گروه نوجوانان عادی و بزهکار وجود دارد. اما نتایج حاصل از تحلیل واریانس چند متغیری نشان داد که تنها بعد آثاری دین داری تفاوت معنادار و مستقیم با بزهکاری دارد.

1- Goldeston & Heaven

2- Zimmer

3- Ma

بالاخره جوادی (۱۳۸۳) و بوستانی پور (۱۳۸۷) دریافتند که خانواده های دارای عضو بزهکار توانایی حل مسأله کمتری از سایر خانواده ها دارند. بروک^۱ (۲۰۰۵) نیز در پژوهشی دریافت که نقص در مهارت های مقابله ای در ارتباط والد-فرزندی از دلایل مهم استعمال سیگار در نوجوانان است.

یافته های پژوهش

جدول (۴) یافته های توصیفی (میانگین و انحراف معیار) را برای متغیر فرایند خانواده نشان می دهد.

جدول ۴: میانگین و انحراف معیار فرایند خانواده

شاخص متغیر	عادی		بزهکار	
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
فرایند	۳/۶۳	۰/۶۳	۳/۳۲	۰/۷

فرضیه اول: میان فرایند خانواده در دو گروه نوجوانان عادی و بزهکار تفاوت معناداری وجود دارد.

برای بررسی این فرضیه از آزمون تحلیل واریانس تک متغیری استفاده گردید که نتایج در جدول (۵) آمده است:

جدول (۵): تحلیل واریانس تک متغیری برای فرایند خانواده

شاخص متغیر	منابع واریانس				
	ss	df	MF	F	P<
فرایند	۲/۷۷	۱	۲/۷۷	۶/۲۸	۰/۰۵
	۵۱/۹۲	۱۱۸	۰/۴۴		
	۵۴/۶۹	۱۱۹	۳/۲۱		

همان طور که در جدول (۵) مشاهده می شود بین متغیر فرایند خانواده در دو گروه نوجوانان عادی و بزهکار تفاوت معناداری وجود دارد. زیرا مقدار F برابر ۶/۲۸ حاصل گردید که در سطح $P < 0/05$ یعنی با ۹۵ درصد اطمینان معنادار است. از طرفی با توجه به جدول (۴) میانگین فرایند خانواده در نوجوانان عادی برابر ۳/۶۳ به دست آمد، در حالیکه

همین شاخص برای نوجوانان بز هکار ۳/۳۲ حاصل گردید. بنابراین طبق آمارهای موجود می توان ادعا کرد که فرایند خانواده در نوجوانان عادی بهتر از نوجوانان بز هکار است. جدول (۶) یافته های توصیفی میانگین و انحراف معیار را برای هر کدام از مولفه های فرایند خانواده نشان می دهد.

جدول (۶): میانگین و انحراف معیار ابعاد فرایند خانواده

ابعاد	گروه	عادی		بز هکار	
		میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
تصمیم گیری و حل مساله		۳/۷۰	۰/۹۳	۳/۱۳	۰/۹۵
مهارت های مقابله ای		۳/۷۰	۰/۸۶	۳/۴۱	۰/۶۹
انسجام و احترام		۳/۸۳	۰/۸۵	۳/۴۵	۰/۹۱
جهت گیری مذهبی		۳/۶۰	۰/۹۴	۳/۴۸	۰/۸۶
مهارت های ارتباطی		۳/۳۱	۰/۸۰	۳/۱۵	۰/۸۳

فرضیه دوم: میان هر یک از ابعاد فرایند خانواده (تصمیم گیری و حل مساله، مهارت های ارتباطی، مهارت های مقابله ای، جهت گیری مذهبی و انسجام و احترام متقابل) در دو گروه نوجوانان عادی و بز هکار تفاوت معناداری وجود دارد.

برای بررسی ابعاد فرایند خانواده از تحلیل آزمون چندمتغیری استفاده گردید که نتایج آن در جدول (۷) آمده است:

جدول (۷): نتایج آزمون تحلیل واریانس چند متغیری برای ابعاد فرایند خانواده

شاخص متغیر	منابع واریانس	ss	df	Ms	F	P<
تصمیم گیری و حل مسئله	گروه	۹/۶۳	۱	۹/۶۳	۱۰/۹۱	۰/۰۰۱
	خطا	۱۰۴/۲۳	۱۱۸	۰/۸۸		
مهارت های مقابله ای	گروه	۲/۳۸	۱	۲/۳۸	۳/۹۵	۰/۰۵
	خطا	۷۱/۳۰	۱۱۸	۰/۶۷		
مهارت های ارتباطی	گروه	۰/۷۸	۱	۰/۷۸	۱/۱۶	N.S
	خطا	۷۹/۱۹	۱۱۸	۰/۶۷		
انسجام و احترام	گروه	۴/۳۲	۱	۴/۳۲	۵/۶۱	۰/۰۵
	خطا	۹۱/۰۱	۱۱۸	۰/۷۷		
جهت گیری مذهبی	گروه	۰/۴۹	۱	۰/۴۹	۰/۶	N.S
	خطا	۹۶/۴۱	۱۱۸	۰/۸۲		

نتایج جدول (۷) نشان می‌دهد که: برای بعد تصمیم‌گیری و حل مسئله مقدار F برابر $10/91$ به دست آمد که در سطح $P < 0/001$ معنادار است. برای ابعاد مهارت‌های مقابله‌ای و انسجام و احترام مقدار F به ترتیب برابر $3/95$ و $5/61$ حاصل گردید که هر دو در سطح $P < 0/05$ معنادارند. با توجه به این نتایج و نتایج حاصل از جدول (۶) می‌توان نتیجه گرفت که: میانگین نمرات ابعاد تصمیم‌گیری و حل مسئله، مهارت‌های مقابله‌ای و انسجام و احترام در خانواده‌های نوجوانان عادی به طور معناداری بیشتر از خانواده‌های نوجوانان بزهدار است. در مورد ابعاد مهارت‌های ارتباطی و جهت‌گیری مذهبی میزان F آزمون به ترتیب برابر $1/16$ و $0/6$ به دست آمد که هیچ کدام معنادار نبود، به عبارتی در این پژوهش میان مهارت‌های ارتباطی و جهت‌گیری مذهبی در دو گروه نوجوانان عادی و بزهدار تفاوت معناداری وجود ندارد.

بحث و نتیجه‌گیری

بررسی نشان داد که میان فرایند خانواده در نوجوانان عادی و بزهدار تفاوت معناداری وجود دارد. از میان ابعاد فرایند خانواده ابعاد انسجام و احترام خانواده، مهارت‌های مقابله‌ای و مهارت‌های تصمیم‌گیری و حل مسئله در دو گروه تفاوت معناداری را نشان داد اما میان ابعاد مهارت‌های ارتباطی و جهت‌گیری مذهبی تفاوت معناداری مشاهده نشد.

نتایج این بررسی با نتایج تحقیقات جانسون (۱۹۹۱)، اندرسون (۲۰۰۲)، هاگان و فوستر (۲۰۰۳)، رام (۲۰۰۳)، بروک (۲۰۰۵)، مارتین (۲۰۰۵)، نیک‌منش (۱۳۸۶)، مبارکی (۱۳۸۶) و رستگار خالد (۱۳۸۷) مبنی بر موثر بودن فرایندهای خانوادگی انسجام و احترام خانواده، مهارت‌های تصمیم‌گیری و حل مسئله بر بزهداری همخوانی دارد. در خصوص توجه نتایج بررسی حاضر می‌توان اظهار داشت که: اکثر ناراحتی‌های نوجوانان زاییده محیط آشفته خانوادگی است. خانواده‌ایی که والدین آن به طور مداوم در حال جنگ و ستیزند و برای یکدیگر احترام قائل نیستند، گذشته از تاثیر نامطلوبی که در اثر تقلید و همانندسازی بر فرزندان خود می‌گذارند، بدترین محیط روانی آنها را فراهم می‌آورند بنابراین کودکان و نوجوانان به دلیل عدم احساس آرامش و امنیت روانی بیشتر اوقات خود را در خارج از محیط خانواده می‌گذرانند و راحت‌تر در دام‌هایی که در بیرون از خانه منتظر آنهاست گرفتار می‌آیند. در این باره هاگان و فوستر (۲۰۰۳) نیز نشان دادند که کودکانی که دارای

خانواده‌های از هم گسسته‌اند احتمال بیشتری دارد که روحیهٔ پرخاشگری و نافرمانی داشته باشند و دست به اعمال بزهکارانه بزنند.

یکی دیگر از ابعاد فرایند خانواده مهارت‌های مقابله‌ای است. مهارت‌های مقابله‌ای تلاش‌هایی است که فرد جهت اداره و مدیریت استرس به عمل می‌آورد. به طور کلی هر کدام از مهارت‌های مقابله‌ای چه مقابله‌های مسئله‌مدار و چه هیجان‌مدار می‌تواند سالم یا ناسالم باشد. بزهکاری به صورت دزدی، فرار از منزل، پرخاشگری و توسل به زور جهت دستیابی به هدف از جمله مقابله‌های مسئله‌مدار منفی می‌باشد و استفاده از راه‌های عجولانه و تکانشی جهت برون‌رفت از موقعیت استرس‌زا از جمله مقابله‌های هیجان‌مدار منفی است. کودکان و نوجوانان از مهارت‌های مقابله‌ای اعضای خانواده به ویژه والدین تقلید می‌کنند بنابراین اگر والدین دارای مقابله‌های منفی باشند این سبک‌های نامطلوب را به فرزندان خود انتقال می‌دهند. از طرفی سبک‌های مقابله‌ای نامطلوب والدین از جمله خشونت و پرخاشگری واکنش‌های منفی را در کودکان و نوجوانان بر می‌انگیزاند که به صورت رفتارهای ایذایی، فرار از منزل، تخریب و سوءاستفاده از مواد مخدر و الکل خود را نشان می‌دهد. بروک (۲۰۰۵) دریافت که نقص در مهارت‌های مقابله‌ای در ارتباط میان والدین و فرزندان از دلایل مهم استعمال سیگار توسط نوجوانان است.

یکی دیگر از ابعاد فرایند خانواده که در این تحقیق ارتباط معناداری با بزهکاری نوجوانان نشان داد مهارت حل مسئله و تصمیم‌گیری است. نتایج این یافته با نتایج جوادی (۱۳۸۳) و بوستانی‌پور (۱۳۸۷) همخوان است. جوادی دریافت که نوجوانان بزهکار و غیربزهکار در متغیرهایی نظیر قدرت ابداع خانواده در حل مسئله، حمایت از یکدیگر در موقع حل بحران، تدبیر راه‌هایی جهت حل مشکل و ارزشیابی راه‌حل‌های اعمال شده با یکدیگر تفاوت دارند. بوستانی‌پور نیز نشان داد که ضعف اساسی در خانواده‌های دارای عضو معتاد نقص در مهارت‌های حل مسئله است.

این پژوهش در بعد ارتباطات خانوادگی ارتباط معناداری را در خصوص تفاوت میان دو گروه نوجوانان بزهکار و عادی نشان نداد. این یافته با نتایج تحقیقات اسمیت (۱۹۹۰)، راجرز (۱۹۹۹)، تیمر (۲۰۰۵)، مک و همکاران (۲۰۰۷)، جوادی (۱۳۸۳) مبنی بر نقش مؤثر ارتباطات خانوادگی در پیشگیری از بزهکاری همخوانی ندارد. در این خصوص می‌توان چنین ذکر کرد که احتمالاً سوالات این خرده مقیاس در این مورد ناکافی است.

در این پژوهش در زمینه وجود تفاوت در بعد جهت‌گیری مذهبی در دو گروه (بزهکاران و غیر بزهکاران) ارتباط معناداری به دست نیامد. این یافته با نتایج تحقیقات پیشین (ما، ۲۰۰۲؛ زیمیر، ۲۰۰۸؛ فاضلی‌نیا، ۱۳۸۳؛ رستگار خالده، ۱۳۸۷) همسو نیست. این یافته را می‌توان چنین توجیه کرد که جهت‌گیری مذهبی شامل ابعادی چون بعد آثاری، بعد اعتقادی، بعد تجربی و بعد مناسکی است. بعد آثاری همان‌گونه که از نامش پیداست عبارت است از: آثار عملی که مذهب در زندگی افراد دارد، بعد اعتقادی شامل باور داشتن وجود خداست، بعد تجربی شامل برقراری ارتباط عاطفی با خداوند به عنوان منشاء آفرینش است و سرانجام بعد مناسکی که عبارت است از انجام آیین‌های مذهبی چون نماز و دعا است. تمامی این ابعاد از یک درجه برخوردار نیستند و بعد آثاری بیشترین درجه دین‌داری را به خود اختصاص می‌دهد. با توجه به این که ناز کتبار و همکاران (۱۳۸۵) در بررسی خود نشان دادند که از میان ابعاد دین‌داری، تنها بعد آثاری آن ارتباط مستقیمی با بزهکاری دارد، به نظر می‌رسد در مقیاس استفاده شده در این تحقیق گویه‌های مربوط به جهت‌گیری مذهبی بیشتر در ابعاد اعتقادی و مناسکی قرار می‌گیرد. بنابراین نتیجه حاصل دور از انتظار نبود.

کاربردهای نظری و عملی تحقیق

نتایج پژوهش حاضر در باب اهمیت نقش خانواده در بروز رفتارهای نابهنجار و بزهکارانه نوجوانان توجه معلمان، مشاوران، روانشناسان تربیتی، مسئولین و والدین را به این نکته متوجه می‌سازد که رفتارهای فرد به هیچ وجه جدا از ویژگی‌های خانوادگی آنان در ابعاد محتوا و فرایند خانواده نیست. به عبارتی افراد محصول طبیعی خانواده‌های خویشند و هیچ عاملی به اندازه خانواده در بروز اختلالات رفتاری کودکان و نوجوانان سهم نیست. بنابراین مشاوران و معلمان در جهت بالا بردن سطح فرایند خانواده می‌توانند با آموزش والدین آنان را در امر خطیر تربیت فرزندانشان یاری نمایند. از طرفی مسئولین جهت بالا بردن سطح محتوای خانواده‌ها با ایجاد سازمان حمایت از خانواده به آنان یاری رسانند و اطمینان داشته باشند که هزینه ایجاد چنین سازمانی به مراتب بسیار کمتر از هزینه‌ای است که جوامع کنونی در بعد مادی و معنوی جهت مشکلات رفتاری نوجوانان و به ویژه اعتیاد آنان می‌پردازد. روانشناسان و مشاوران نیز می‌توانند جهت امور تشخیصی و برنامه‌های درمانی از دستاوردهای این پژوهش (که هدف آن بررسی ابعاد مدل فرایند و محتوای خانواده بر بزهکاری بود) استفاده



Archive of SID

نمایند. نهایتاً نتایج این یافته‌ها والدین را بر آن می‌دارد که نیازهای روحی و جسمی نوجوانان را مورد توجه قرار داده و با ایجاد سازگاری در محیط خانواده زمینه رشد بهنجار آنان را فراهم آورند زیرا کودک یا نوجوانی که از محیط نامناسب زندگی خانواده خود گریزان است به انواع بیماری‌های روحی و روانی، انحرافات مختلف همراه با لغزش و بزهکاری‌های گوناگون گرفتار خواهد شد.

- ۱- اتکینسون، ریچارد و... [دیگران]؛ زمینه روانشناسی هیلگارد. جلد اول، مترجم: محمد تقی براهینی و... [دیگران]؛ (۱۳۸۲). تهران: انتشارات رشد
- ۲- احدی، حسن؛ محسنی، نیکچهره (۱۳۷۰). روانشناسی رشد، مفاهیم بنیادی در روانشناسی نوجوانی و جوانی. تهران: انتشارات چاپ نشر و بنیاد
- ۳- اکبری، ابوالقاسم (۱۳۸۱). مشکلات نوجوانی و جوانی. تهران: انتشارات ساوالان
- ۴- امینی لاری، محمود (۱۳۸۶). بررسی میزان افسردگی، ویژگی های مختلف و علل فرار در دختران فراری ارجاع شده به مراکز نگهداری بهزیستی شیراز در سال ۱۳۸۶. سومین کنگره طی آسیب شناسی خانواده، دانشگاه شهید بهشتی، اردیبهشت ۱۳۸۷
- ۵- پارسا، غفار. (۱۳۸۵). بزهکاری نوجوانان. قابل بازیابی: <http://parsasadat.blogfa.com>
- ۶- جوادی، محمد حسین (۱۳۸۳). مقایسه عملکرد خانواده های نوجوانان بزهکار و عادی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم اجتماعی، تهران
- ۷- دادستان، پریرخ (۱۳۷۶). روانشناسی مرضی تحولی. جلد اول تهران: انتشارات سمت
- ۸- رستگار خالد، امیر (۱۳۸۷). دین و خانواده دو نهاد مهم در پیشگیری از بزهکاری جوانان. سومین کنگره ملی آسیب شناسی خانواده. دانشگاه شهید بهشتی، اردیبهشت ۱۳۸۷
- ۹- راهب، غنچه (۱۳۸۰). بررسی عوامل موثر در گرایش نوجوانان دختر ساکن شهر تهران به بزهکاری. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران
- ۱۰- ساروخانی، باقر (۱۳۵۷). درآمدی بر دایره المعارف علوم اجتماعی. جلد اول تهران: انتشارات کیهان
- ۱۱- سیاسی، علی اکبر (۱۳۷۹). نظریه های شخصیت. ترجمه: یحیی سید محمدی، تهران: موسسه نشر و ویرایش
- ۱۲- ستوده، هدایت الله و... [دیگران]؛ (۱۳۷۶). روانشناسی جنایی. تهران: انتشارات آوای نور
- ۱۳- سیف، علی اکبر (۱۳۸۴). روانشناسی پرورشی. تهران: نشر آگه
- ۱۴- سعیدی، محمد (۱۳۷۲). بررسی علل فرار نوجوانان از خانه. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران
- ۱۵- شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۸۴). بزهکاری اطفال و نوجوانان. تهران: انتشارات مجد
- ۱۶- شولتز، دوان (۱۳۸۴). نظریه های شخصیت. مترجم: یحیی سید محمدی، تهران: نشر و ویرایش
- ۱۷- شاملو، سعید (۱۳۷۷). مکتب ها و نظریه ها در روانشناسی شخصیت. تهران: نشر رشد
- ۱۸- عباسی اسفنجیر، علی اصغر (۱۳۸۶). بررسی تأثیر کنترل والدین بر بزهکاری نوجوانان. سومین کنگره ملی آسیب شناسی خانواده، دانشگاه شهید بهشتی، اردیبهشت ۱۳۸۷

۲۰- فاضلی نیا، فرزانه (۱۳۸۰). نقش خانواده و مدرسه در آسیب روانی- اجتماعی کودکان و نوجوانان کانون اصلاح و تربیت شهر تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء (س)، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، تهران

۲۱- گلزاری، محمود (۱۳۸۲). بررسی میزان، زمینه‌ها و مشکلات روانی- اجتماعی دانش آموزان دبیرستانی اسلام شهر، کرج، شهرری و منطقه ۱۲ تهران (رابطه با جنس مخالف، استعمال سیگار و سوء مصرف مواد، فرار از مدرسه و خودکشی). تهران: دبیر خانه شورای فرهنگی

۲۲- گلیک پور، خدیجه (۱۳۷۷). بررسی علل فرار دانش آموزان از مدرسه. اداره کل آموزش و پرورش تهران

۲۳- هرگنجان، بی آر؛ متیو اچ، السون (۱۳۸۴). روانشناسی یادگیری. مترجم: علی اکبر سیف، تهران: نشر دوران

۲۴- مبارک، سهیلا (۱۳۸۶). بررسی تأثیر ساختار خانواده بر بزهکاری جوانان. سومین کنگره ملی آسیب شناسی خانواده، دانشگاه شهید بهشتی، اردیبهشت ۱۳۸۷

۲۵- مبارکی، آسیه (۱۳۸۶). نقش خانواده در بروز بزهکاری نوجوانان. سومین کنگره ملی آسیب شناسی خانواده، دانشگاه شهید بهشتی، اردیبهشت ۱۳۸۷

۲۶- ماسن، پاول هنری و... [دیگران]؛ (۱۳۸۰). رشد و شخصیت کودک. ترجمه: مهشید یاسایی، تهران: نشر مرک

۲۷- مشکانی، محمد رضا؛ مشکانی، زهرا سادات (۱۳۸۱). سنجش تاثیر عوامل درونی و بیرونی خانواده بر بزهکاری نوجوانان. مجله جامعه شناسی ایران، دوره چهارم، شماره ۲

۲۸- منصور، محمود؛ دادستان، پریخ (۱۳۶۹). روانشناسی ژنتیک (۲). تهران: انتشارات ژرف

۲۹- نیک منش، زهرا (۱۳۸۶). بررسی کیفی برخی از عوامل موثر بر رفتارهای پرخطر دانش آموزان. سومین کنگره ملی آسیب شناسی خانواده، دانشگاه شهید بهشتی، اردیبهشت ۱۳۷۸

۳۰- ناز کتبار، حسین؛ زاهدی، محمد جواد؛ نایبی، هوشنگ (۱۳۸۵). نقش دینداری در ممانعت از بزهکاری جوانان شهر تهران. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۲

۳۱- ولی زاده، شیرین (۱۳۸۶). بررسی تاثیر جدایی والدین بر فرار دختران ۱۶ تا ۲۰ ساله شهر تهران. سومین کنگره ملی آسیب شناسی خانواده، دانشگاه شهید بهشتی، اردیبهشت ۱۳۸۷

32- Anderson, A.L. (2002). Individual and Contextual Influences on Delinquency: The Role of The Single Parent Family. Journal of Criminal Justice, 30,

33- Bandura, A. (1986). Social Foundations of Thought and Action: A Social Cognitive Theory. Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall.

34- Brook, S.G.M. (2005). Coping Skills and Parent Support Mediate The Association Childhood Attention Deficit. Journal of Pediatric Psychology, 30(4), PP, 345-357.

35- Goldeston, M. & Heaven, P.C.L. (2000). Perception of The Family Delinquency and Emotinal Adjustment Among Youth. Personality and Individual Deference, 29, 116-1178.

36- Hagan, J. & Foster, H. (2003). Hes a Rebel: Toward a Sequential Stress The of Delinquency and Gendered Pathways to Disadvantage in Emerging Adulthood. Social Forces, 82(1), PP, 53-86.

37- Jensen, G.F. (1972). Parents ,Peer and Piquant action a Test of the Differential Association Perspective. American journal of Sociology.

38- Jones, K. (2007). Theories of Juvenile Delinquency. Retirved From: www. Associatedcontent. Com/article/155156/ Theories of Juvenile Delinquency. htm?cat=17.

39- Ma, Y. (1993). Family Reltionships , Broken Homes, Acculturation and Delinquency in Chinese-American Communities. Rutgers the University of New Jersey, 182 P.

40- Mack, K.Y. ; Leiber, M.J. ; Featherston, R.A. & Monserud, M.A. (2007). Reassessing Family Delinquency Association: Do Family Type, Family Processes, and Economice Factors Make a Difference?. Journal of Criminal Justice. New York, 35(1).

41- Muolo, P. (1995). Single-Family Delinquencies Rise. National Mortgage News, New York, 20(1).

42- Martin, A.(2005). Juvenile Delinquency: Theories Causation. Juvenile Delinquency, PP, 61-93. Retrieved From: <http://74.6.239.67/search/cache?ei=UTF-8&p=%22delinquency>

43- Ryckman, R. (1997). Theories of Personality. Cole Company Publishing.

44- Rom, B. & Hou, f. (2003). Changes in Family Structure and Child Outcomes. Policy Studies Journal, vol. 31(B).

45- Samani, S . (2008). Validity and Reliability of Family Process and Family Content Scales. International Congress of Psychology, 20-25 July, Berlin, Germany.

46- Smith, C.K. (1999). Delinquency and Family Life: The Role of Ethnicity and Environment. State University of New York at Albany, vol. 28(1).

47- Timmer, S. & Urquiza, A. (2006). Challenging Foster Caregiver-Altreated Child Relationships: The Effectiveness of Parent-Child Interaction Therapy. Children and Youth Services Review, vol. 28, 1-19.

48- Zimmer, G. & Melanie, H. (2008). Ten Years of Longitudinal Research on U.S. Adolescent Sexual Behavior: Developmental Correlates of Sexual Inter Course, and The Importance of Age, Gender and Ethnic Background. Developmental Review, 28, PP, 153-224.

49- Rodgers, K.B. (1999). Parenting Processes Related to Sexual Risk-Taking Behaviors of Adolescent Males and Females. Journal of Marriage and The Family, vol. 61.